

القاموس الفرید

آیت الله آقای آقا شیخ احمد
مجتهد نجفی فرزند مرحوم شیخ مهدی
و نواده شیخ اسدالله شوشتری صاحب کتاب
بسیار نفیس «مقایس» است. شوشتری
از بزرگان مراجع تقلید جهان تشیع در
قرن سیزدهم هجری قمری بود. نظریات
و آراء دقیق علمی او هنوز مورد بحث و انتقاد
حوزه های علمیه مذهب جعفری است (۱)



۱ - نگاه کنید بکتابهای :
روضات الجنات خونساری ص ۲۸- و
هدیه الاحباب قمی ص ۱۲۸- و هدیه -
المارفین ج ۱ ص ۲۰۳- و ریحانة الادب
ج ۲ ص ۴۴۵ - و اعیان الشیعه ج ۱ ص
۹۸ تا ۱۰۳- و اعلام الشیعه ج ۲ ص
۱۲۲- و معجم المؤلفین ج ۲ ص ۲۴۱-
و لغت نامه دهخدا زیر کلمه «اسدالله»-
و فصل تاریخ فقه ، فقهاء مذهب
جعفری از کتاب «تاریخ روابط ایران
و عراق» تألیف مرتضی مدرس
چهاردهم چاپ فروغی ، تهران و سایر
مآخذ و مدارک عربی و فارسی .

و
مختصری از
ماجرای
زندگانی
مؤلف آن



مرتضی مدرس چهاردهمی

شیخ ما در سال ۱۲۸۰ شمسی در نجف اشرف متولد شد ، بواسطه فراهم بودن وسایل و کثرت علاقه به تحصیل دانش ، در سن بیست و پنج سالگی بدرجه عالی «اجتهاد» در فقه و اصول نایل گشت ، در علوم کلام ، فلسفه ، تفسیر و برخی از دانش های نوین احاطه کامل یافت ، آنگاه برخی از اسباب ها که فراهم آمد برای نشر دیانت اسلامی و ترویج مذهب بشهر «رمیثه» مهاجرت کرده رمیثه از شهرهای کوچک و خوش آب و هوای عراق است که در کنار رود فرات و در هجده فرسنگی نجف قرار دارد . (۱)

در این شهر به همراهی مردم آن دیار به تشکیلات مذهبی پرداخت . سپس به همراه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (از بزرگان دانشمندان و اساتید مقیم نجف) و گروهی از سیاستمداران بزرگ عراق هم پیمان شدند تا حقوق از دست رفته شیعیان را بازستانند ، رفع تعدی و جور و ستم از مأموران دولتی کنند ، با قبیله ها و عشایر آن منطقه که همه مسلح و از نیرومند ترین قبایل بین النهرین به شمار می آمدند قرارداد همکاری و اتحاد بستند ، چون همه آن مردان و زنان رشید پیرو پیشوایان دینی خود بودند ، پس از کوشش بسیار و اقدامات مثبت ملک غازی پادشاه عراق مجبور شد که مجلس شورای ملی را منحل کند . رئیس دولت « علی جودت ایوبی » ناچار باستعفاء شد . کابینه بریاست یاسین هاشمی تشکیل گردید ، نخست وزیر از هم پیمانان شیخ ما بود . سران عشایر رمیثه که مسلحانه وارد بغداد شدند و دولت علی جودت ایوبی را برکنار کردند همه از پیروان شیخ ما بودند .

« رشید عالی گیلانی » وزیر کشور کابینه شد ، پس از روی کار آمدن دولت جدید دریفا که به پیمان خود وفا نکرد و آن عهد و پیمان دینی و انسانی را شکست ، همگی در تلاش شدند که هر جور ممکن شود شیخ ما را راضی کنند تا دستور پراکنده شدن افراد عشایر را دهد ، اسلحه را کنار گذارند و دست دولت

۱- نگاه کنید بکتاب العراق قدیماً و جدیداً تألیف سید عبد الرزاق

را باز گذارند تا فرصت دیگری بدست آید آنگاه بنا به مقتضیات و مصالح روز دست باصلاحات زنند !

همین امر سبب بروز اختلاف دامنه داری مابین ایشان و دولت یاسین هاشمی شد ، این اختلاف چند ماه طول کشید ، سرانجام در سال ۱۳۱۴ خورشیدی شیخ مارا بمنوان مذاکرات خصوصی و محرمانه ازمنطقه نفوذ خود دور کردند ! به بهانه ایرانی بودن و هواداری از دولت ایران و حمایت از ایرانیان مقیم عراق محرمانه او را به ایران تبعید کردند، به گمان خودشان شاید بتوانند عشا برشید و سلحشور را آرام کنند !

در آن روزگار نگارنده این سطور از طلبه های نجف اشرف بود ، در روزنامه های بغداد مخالفان انقلاب می نوشتند که دست ایرانی در کار بود، می خواستند مردم را به انقلاب بدین سازند ! ولی افراد قبایل چون باین موضوع پی بردند آشکارا با دولت وقت وارد جنگ شدند و باز گشت شیخ ما را جداً خواستند . آری الراشد لایکذب أهله، چوپان گوسفندان را فریب ندهد.

کودتای عراق

آشوب و اضطراب تا حدود دو سال بطول انجامید ، منجر به کودتای ارتش علیه دولت شد ، کودتارا « بکر صدقی » رئیس ستاد ارتش وقت رهبری کرد ، وزیر جنگ کشته شد ، سایر وزیران به سوریه فراری شدند ! رئیس دولت « حکمت سلیمان » شد (۱)

دولت تازه عراق از آیت الله نجفی تقاضای باز گشت بعراق را کرد ، شیخ ما که در ایران مورد توجه رضاشاه بود در آخر آذرماه ۱۳۱۵ خورشیدی با اجازه شاهنشاه فقید و دولت وقت (محمودجم، نخست وزیر) بعراق بازگشت. در این نوبت بنا به تقاضای شیعیان مقیم بغداد در این شهر بماند و دیگر بدنبال سیاست نرفت و به تشکیلات علمی و روحانی سرگرم شد.

۱- نگاه کنید به کتاب تاریخ الوزارات المراقبه بقلم سید عبدالرزاق

با شمله و روشن آتش جنگ جهانی دوم ، سیاست مداران مخالف سابق به عراق بازگشتند ، با انجام يك کودتای دیگر زمام امور کشور را بدست گرفتند ، در این هنگامه ملك غازی نیز کشته شد ، بازم بازیگران سیاسی درمسددا ایجاد انقلاب برآمدند . شیخ مارا خارراه خود پنداشتند در سال ۱۳۱۹ خورشیدی برای مرتبه دوم وی را بایران تبعید کردند ، این بار نیز مورد توجه رضاشاه و رئیس دولت وقت (علی منصور) واقع شد .

او نخست به تشکیلات دینی مانند حوزه های درسی فقه ، اصول ، اقامه نماز جماعت ، جلسه های تفسیر قرآن و مانند آنها درکوی پامنار و محله عرب ها پرداخت ، پس از آشنائی باوضاع و احوال فرهنگ کشور دانست که تحصیلات علوم ادبی و حقوقی و دینی چه در مدرسه های قدیم چه در دانشگاه و مدارس نوین با همان روش و اسلوب پیچیده کهنه است و برنامه صحیحی ندارد . دانشجویان پس از سالها تحصیل آشنا بزبان عربی نمی شوند و کم کم از آن بیزار میشوند و معلمان هم بهمان راه و روش قرون وسطی درس عربی را تعلیم میدهند ، از این جهت شیخ ما باندیشه تأسیس دانشکده ای برآمدها با برنامه درست و ابتکاری که با آخرین روش های تحصیلی در جهان دانش مطابقت داشته باشد بکار خود ادامه دهد . و در واقع دانشگاهی بوجود آید که با دانشگاه الازهر قاهره برابری نماید ، با آنکه شاهنشاه و دولت وقت با این نقشه و طرح موافقت داشتند ، بنا بمقتضیات و اوضاع و احوال از تأسیس دانشکده منصرف شد و در سال ۱۳۲۶ خورشیدی به تأسیس موسسه ای تحقیقاتی بنام « دارالعلوم العربیه » همت گماشت .

این مؤسسه فرهنگی مخصوص آموزش زبان و ادبیات و متون جدید و قدیم عربی است ، چه همه میدانیم که پایه دانش های اسلامی وهم چنین ادبیات فارسی بر اساس آموزش درست زبان و ادبیات عربی استوار است ، بدین ترتیب روش آموختن زبان و ادبیات تازه عربی را در ایران پایه گذاری کرد . شیخ ما نشان داد و بثبوت رسانید که زبان اسلامی را هم میتوان مانند سایر زبان های دنیا با آسانی فرا گرفت ، بدون اینکه نیازی به پیروی از روش های پیچیده و بی فایده کهنه آن داشته باشیم . این مؤسسه عالی و سودمند از روز نخست تأسیس مورد استقبال و توجه همه طبقات واقع شد ، در این مؤسسه فرهنگی همساله سدها نفر در اندک مدتی آشنا بزبان و ادبیات عرب میشوند در اثر تشویق و استقبال روز افزون دانشجویان دانشگاه و سایر طبقات مردم ،

مؤسس دانشمند آن تشویق شد تا به تحقیقات و تتبعات و آزمایش‌های خود در مورد یافتن ساده‌ترین و عملی‌ترین راه برای فراگرفتن زبان و ادبیات عربی برای فارسی‌زبانان ادامه دهد و نتیجه آن دوره‌های «دروس دارالعلوم العربیه» است.

این کتب نفیس با تجدید نظرهای بسیار بارها چاپ شد، اینک در هر گوشه و کنار کشور دانشجویان و استادان زبان عربی از آن بهره‌مند میشوند. پس از انتشار مجموعه «دروس دارالعلوم العربیه» در تألیف کتاب‌هایی که در سرف و نحو عربی برای دبیرستانها و دانشگاهها تهیه شده و میشود اثر گذاشت. در پایه‌گذاری فرهنگ ایران و اسلام شیخ ما برآستی یکی از بناهای اساسی را نهاد که آن آموزش زبان و ادبیات عرب بود.

فرهنگ فارسی بحرایی

یکی دیگر از نتیجه تحقیقات و کوشش‌های مؤسس فداکار دارالعلوم تألیف فرهنگ فارسی بحرایی است بنام «القاموس الفرید» جای این چنین فرهنگی در زبان‌های فارسی و عربی خالی بود، بخصوص در مورد اصطلاحات امروزه دوزبان هیچگونه مرجع مهم و قابل توجهی در دسترس نبود، آنچه که تاکنون در برخی از کشورهای عربی منتشر شده است جزوهای بیش نیست. القاموس الفرید شامل تمام لغات و اصطلاحات امروز زبان فارسی است، بیشتر لغت‌های قدیم فارسی را با معادل عربی آن داراست، دیگر از مزایای این فرهنگ نفیس چگونگی موارد بکاربردن بیشتر لغت‌ها است که بوسیله جمله‌های عربی و فارسی عملاً در فرهنگ نمودار شده است.

در مقدمه این فرهنگ بیشتر قواعد دستور زبان فارسی بزبان عربی بیان شده است و موارد مهم آن مابین دوزبان سنجیده شده. ارزش این گونه آثار در شناسائی زبان و فرهنگ فارسی بحرایی بزبانان خود بحث مفصلی است.

جلد اول این فرهنگ بتازگی منتشر شده است. این کتاب نفیس بالغ بر ۶۰۰ صفحه با چاپ نفیس و مصور و با حروف اعراب دار است. از حرف الف تا خاء لغت‌های فارسی را دربردارد. امیدواریم جلدهای دیگر فرهنگ «القاموس الفرید» هرچه زودتر از چاپ بیرون آید و در دسترس علاقه‌مندان زبان و ادبیات قرار گیرد، و نیز سایر آثار قلمی و تألیفات ارزنده آیت‌الله نجفی بهمت فرزند فاضل ایشان یکی پس از دیگری چاپ و منتشر گردد.